



میر عبدالواحد سادات

من متهم می سازم!

من جرم را تعریف و مجرم را معرفی مینمایم!

من شریک و مشوق قاتل کودک نوزاد و افغانان مقتول را معرفی و علیه آن اقامه دعوی می نمایم! افغانستان بزرگترین قربانی تروریسم بین المللی است و آماج دور جدید ترور شرارت پیشه گان قرار دارد. به گرد "سراب" صلح در دو ماه بعد از "معاهده" قطر در افغانستان حمام خون برپا است و همه روزه مظلومترین خلق خدا، ب خاک و خون می غلطند.

آنچه را دیروز تروریستان ددمنش در شهر کابل و ولایت ننگرهار انجام دادند، ب مثابه خونین ترین و هولناکترین جنایت علیه بشریت در جریان جنگ های جهانی و تراژیدی های خونین در کربلا، صبرا، شطیلا روندا، یوگوسلاویای سابق و ... قابل مقایسه نمی باشد.

در شفاخانه ملکی (داکتران بدون مرز) شرارت پیشه گان شریر و دون همت کودکان نوزاد، مادران حامله و فرشته های چپن سپید را با قساوت غیرقابل بیان و با نهایت دهشت و بربریت به قتل رسانیده اند و مادر را در نخستین لحظات دیدارنوزادش و نوزاد را در نخستین دقایق تولدش از حق حیات محروم ساخته اند ... این تراژیدی خونبار حقوق بشر و این مرگ انسانیت و قتل ارزش های والای انسانی با تقبیح معمولی "دکانداران" حقوق بشر بدرقه گردید که خود کمال قباحات آنان را هویدا میسازد.

اما از آنطرف اوقیانوس، صدای آشنای در قبال این فاجعه هولناک انسانی بلند گردید و سفیهانه ترین سخنان اوج رفعت سفله گان را نمایش داد و بر زخم خونین مقتولان و تراژیدی خونبار افغانستان نمک پاشی نمود.

این صدای رئیس جمهور ایالات متحده امریکا آقای ترامپ بود که با استحقاق گفت:

«ما نمیتوانیم نقش پولیس را ایفا نماییم»

«افغانها باید خود از کشورشان مواظبت نمایند»

به توصیه بزرگان با "قالو سلاما" گفتن، میتوان حرف او را نادیده انگاشت؛ بویژه که از دوسال باینطرف به تأسی از کلام عارف و یکی از بزرگترین شخصیت اسلامی و فرهنگی حضرت مولانا، من او را "زنگی مست" خطاب مینمایم.

سفیهانه تر از "زنگی مست"، وزیر خارجه او که قرار صادر کرد تا: «حکومت افغانستان و طالبان مشترک بر ضد تروریستان اقدام نمایند»

این سخنان را آقایانی به زبان می آورند که در ایجاد شرکت سهامی چندسره، از همان بن اول تا کنون نقش اساسی دارند و در عین حال با گروه دهشت افکن مخالف آن همیشه حشر و نشر داشته و "معاهده" در قطر عقد و پروسه صلح را به "پروژه" مبدل نموده اند.

چنین اظهارات ابلهانه از طرف رئیس دولت انجام می‌یابد که در قبال افغانستان افزون بر مسوولیت اخلاقی (Moral obligation) دارای مسوولیت حقوقی نیز می‌باشد و قرارداد ستراتیژیک و امنیتی را عقد نموده است. هرگاه حداقل احساس مسوولیت در قبال منشور سازمان ملل متحد و میثاق‌های جهانی که امریکا به آن الحاق نموده است در دولت آقای ترامپ وجود میداشت، باید حوادث خونین دیروز افغانستان را بحیث جرایم بزرگ علیه بشریت بحیث عضو مقتدر شورای امنیت به آن شورا مطرح مینمودند. آقای "زنگی مست" (جناب ترامپ): با شما موافقم که :

اجرای نقش پولیس به عهده خود افغان‌ها است و اما شرط اجرای دقیق این نقش این است تا: تا شما از نقش متجاوز صرفنظر نمایید و به سیاست کجدار و مریز تان در قبال تراژیدی خونین افغانستان خاتمه دهید!

جناب شما در راس دولتی قرار دارید که یکی از خالقین شرارت پیشه‌گان تروریست جهان و منجمله همین طالب و داعش می‌باشد و در دهه حضور نامیمون شما در افغانستان، مصروف آبیاری ریشه تروریسم در پاکستان و شاخ بری در افغانستان به قیمت خون افغانان مظلوم می‌باشید.

ضرور نیست تا انسان مورخ و یا محقق باشد تا از نقش دولت شما در ایجاد، تجهیز، تسلیح و سازماندهی تروریستان شرارت پیشه در مجموع جهان و به ارتباط افغانستان آگاهی داشته باشد، به برکت کهکشان انترنیت امروز حتی شاگردان مکاتب نیز اعترافات آقای برژینسکی طراح ایجاد کمپ‌های تروریستان در پاکستان (جولای ۱۹۷۹م) و کسی که بخاطر تشویق دهشت افکنان از دره خیر به جانب افغانستان فیر نمود، خانم کلینتن رقیب انتخاباتی شما، خانم بی نظیر بوتو، کتاب جنرال مشرف و ده‌ها سند دیگر را خوانده اند و بخوبی میدانند که چگونه:

در راستای "کمر بند سبز" بنیادگرایی تشویق و جمهوری‌های اسلامی در ایران و پاکستان شکل گرفتند، تنظیم های "جهادی" بوجود آمدند و داستان ایجاد طالبان از چه قرار است؟

و زمانی که در اوج جنگ سرد و در تصفیه حساب ابر قدرت‌های وقت (اتحادشوری و امریکا)، افغانستان بحیث "نطع" آن قربانی گردید، تحت رهبری مثلث (سی آی ای، استخبارات سعودی و آی اس آی) بیشتر از یکصد هزار دهشت‌افکن عرب و عجم را به حیث ابزار آن جنگ استخدام و القاعده و داعش محصولات همان پلن‌ها است و در سی سال اخیر بمثابه "معبور ورود به آسیای میانه"، قربان میگردد. داستان یونیکال و ایجاد طالبان را و نقش آقای خلیل زاد در آنوقت میتواند به بسیاری از چون و چراها در رابطه پاسخگو باشد.

آقای ترامپ (زنگی مست):

آنچه دیروز در افغانستان توسط عمال تروریست طالب و داعش انجام یافت، يك فاجعه حقوق بشر و يك تراژیدی هولناك مرگ انسانیت است که در مطابقت با تمام معیارهای حقوقی، موازین قبول شده حیات مدنی و دینی، بمثابه بربریت و تجاوز بر والاترین ارزش‌های انسانی و مدنی بوده و قتل انسانیت پنداشته می‌شود.

مطابق به تمام معیارهای حقوق بین‌المللی از کنفرانس لاهه (1907م)، تا اساسنامه نورنبرگ، دیوان جزایی بین‌المللی، دادگاه لندن و کنوانسیون‌های چهارگانه ژینو (1948م)، این عمل جنایتکارانه که «بشکل هدفمند» و «از قبل پلان شده» صورت گرفته در کتگوری:

«جنایات جنگی، ضد بشری و علیه بشریت»

مسجل گردیده است.

در همچو موارد که وقوع جنایت متذکره، اظهر من الشمس است، موارد الزام حقوقی بر "مجرم" سازمان عامل و حامیان، از طرف مراجع مسئول وارد شده میتواند.

بدینرو :

من بحیث يك افغان و در عین حال بمثابه يك شاگرد علم حقوق كه مسوولیت يك نهاد معتبر حقوقی (انجمن حقوقدانان افغان در اروپا) را نیز عهده دار میباشم:
صدای نعل آغشته به خون مادر افغان را بلند و همچون مدعی العموم (خارنوال)، به دفاع از حق حیات: كودك نوزاد، زن حامله و موسپید و محاسن سپید، مندرج مواد يك و ششم اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی علیه قاتلان سفاك اقامه دعوی مینمایم و منجمله:
رئیس جمهور ترامپ را بر مبنای تعریف از جرایم وقوع یافته:
متهم میسازم و بمثابه شريك قتل و مشوق قاتل معرفی مینمایم!
بر مبنای حکم مادهٔ دهم اعلامیه جهانی حقوق بشر كه چنین مشعر است:
«هر شخص با مساوات كامل حق دارد كه دعوايش در دادگاه مستقل و بیطرف، منصفانه و علنی رسیدگی شود.»

دعوی خود را اقامه و به محاكم بین المللی تقدیم مینمایم و در هر نوع تریبون ملی و بین المللی، متکی بر معیارهای جهانی «مشروعیت جرم و جزا» از حق افغانان مقتول و مظلوم دفاع و در برابر هر اتهام و ادعای خود بر طبق قانون جوابگو باشم.

درین اقدام من این کلمات و جملات از اعلامیه جهانی حقوق بشر مطمح نظر من میباشد كه :
«شناسایی حیثیت و کرامت ذاتی تمام خانواده بشری و حقوق برابر و سلب ناپذیر آنان، اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان است»
باور كامل دارم كه :

همین نادیده گرفتن و تحقیر حقوق بشر، تبعیض بین خون افغان و امریکایی، مشوق اقدامات وحشیانه است كه وجدان بشریت آگاه به دادخواهی فرامیخواند.

با نهایت تأسف، ازین واقعیت تلخ نیز آگاه میباشم كه در جهان "هابسی" ما كه از "جنگل قانون" بطرف "جنگل بدون قانون" روان میباشد، محاکمی وجود ندارد كه قلدران و زورگویان ملی و بین المللی را محاکمه نماید و "زنگی مست" (اقای ترامپ) نیز از در پنجه قانون نمی افتد و چنانچه حتی از صدها مورد ارتكاب جرایم جنگی و ضد بشری، هیچ عسکر و شهروند امریکایی در محاكم بین المللی حاضر نگردیده اند.
دولت امریکا حتی اساسنامه دیوان بین المللی جزایی (ICC) را نپذیرفته و باوجودی كه در نوامبر (۲۰۱۷م) این محكمه فیصله نمود تا خارنوال آن جرایم جنگی و ضد بشری را در افغانستان بررسی نماید، اما دولت امریکا در برابر آن محكمه و از آمدن خارنوال موظف خانم (فانو نسوتا) به افغانستان مانع تراشی کرده است.
با اذعان به این واقعیت تلخ در گام نخست به:

محكمه وجدان هر شهروند آگاه جهان و تمام نهادهای كه به اعلامیه جهانی حقوق بشر و انسانیت باور دارند، مراجعه مینمایم:

تا ازین عدالت خواهی بخاطر كودك نوزاد و مادر حامله، پیر و جوان افغان كه همه روزه توسط تروریستان شریر، دهشت افگن، در حالی كه دولت اقای ترامپ با آنان "معاهده" صلح را عقد نموده و بر حامیان منطقوی و بویژه بر مركز اصلی (پاكستان) اشراف كامل دارد، به شهادت میرسند، بر مبنای ندای وجدان دفاع نماید.

این اقامه دعوی به هیچوجه به مفهوم نادیده گرفتن مسوولیت افغانان نمی باشد كه متأسفانه پاشنه آشیل ما، همان فقدان دولت مقتدر ملی قانون محور و عدالت گستر است.

با حرمت

میر عبدالواحد سادات